

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

21 نومبر 2024



یونس نگاه

اصلاحات معیوب در عربستان سعودی، الگوی امیدبخش نیست

محمد بن سلمان، ولیعهد قدرت‌مند و عجول عربستان، اکنون مشهورترین چهره عرب است. اصلاحات مدنی او در کشورهای اسلامی از سوی گروهی از درس‌خوانده‌هایی که از ملاسالاری به‌ستوه آمده‌اند استقبال می‌شود. در چند سال اخیر، به خصوص از زمانی که طالبان به قدرت برگشته‌اند، هموطنان ما در مورد تناقض میان آنچه در کشور مبدای دین اسلام و افغانستان می‌گذرد، بحث و مباحثه می‌کنند. عده‌ای بن سلمان را به‌خاطر اصلاحات مدنی تمجید می‌کنند و او را الگوی خوب و بانی تحولی در جوامع اسلامی می‌دانند که شاید منجر به تضعیف بنیادگرایان و حامیان اسلام سیاسی شود. در عربستان نیز طبقه متوسط و مردم شهرنشین از گشایش‌های نسبی خوشحال‌اند. زنان در پست‌های مدیریتی حضور روز افزون یافته‌اند، و در بازار و محیط کار بیشتر از گذشته دیده می‌شوند.

اما این حرکت آیا تازگی دارد و برآستی نتایج فوق‌العاده و جهان‌اسلام‌گیر در پی خواهد داشت؟

در عربستان این حرکت تازه است. خوانندگان این متن می‌دانند که خانواده سعود از اوایل قرن بیست و قتی قدرت را به دست گرفتند، حکومت خود را بر بنیاد اتحاد با محافظه‌کاران مذهبی گذاشتند. در تمام این مدت، به خصوص در نیمه دوم قرن بیستم سراسر جهان اسلام درگیر بحران مواجهه با مدنیت غربی و دموکراسی بود و در گوشه و کنار خاورمیانه کلان، قدرت‌مندان جوامع اسلامی نسخه‌هایی از ترکیب آزادی‌های مدنی، سیاسی و اقتصادی را برای مردم خود می‌آزمودند. اما رهبران سعودی از تخت پادشاهی که بر سه پایه قدرت‌مند استوار بود، هرگز تکان نخوردند و هیچ‌گونه اصلاحات مدنی و سیاسی را فرصت ندادند. آنان نه خود راه متفاوتی را آزمودند و نه به جامعه فرصت آزمون شیوه‌های متفاوت زندگی و سیاست را دادند. سه پایه محکم حکومت استبدادی خانواده سعود محافظه کاری مذهبی، نفت، و حمایت غرب به خصوص امریکا بود.

حالا اما آن سه پایه پادشاهی به لرزه افتاده است. محافظه‌کاران مذهبی در عصر انترنیت و رسانه دیگر نمی‌توانند ذهن مردم را به‌قدر نیاز حاکمیت تخدیر و کنترل کنند. ملاحی و هابی مثل گذشته تریبون انحصاری ندارند و در

چند دهه اخیر به دلیل انقلاب در تکنالوجی اطلاعات تربیون‌ها به‌طور انفجاری گسترده و متنوع شده است. نفت عربستان نیز در حال ته‌نشینی است و در چند دهه اخیر ممکن چنان کاهش یابد که دیگر نتوان آن را ستون پادشاهی ساخت. در عین حال تحولات تکنالوجیک در عرصه انرژی مصرف نفت را کاهش می‌دهد و انرژی‌های بديل و ارزان در حال تسخیر بازارند. امریکا و حامیان غربی عربستان که به‌خاطر نفت و معاملات تسلیحاتی پشت عربستان ایستاده بودند، در آینده وقتی نفت مثل امروز ارزشمند نباشد، پادشاهی خاندان سعود را در برابر تحولات بیمه نخواهند کرد. از سوی دیگر نفوذ امریکا را رقیبان تازه در منطقه بسیار بیشتر از گذشته زیر سؤال برده‌اند و شاید توازن کنونی در آینده نه چندان دور به سود چین یا ترکیبی از قدرت‌مندی غیر از امریکا، در خاورمیانه و شمال افریقا تغییر کند. لذا، عربستان از سال ۲۰۱۷، زمانی که محمد بن سلمان ولیعهد شد، مسیر تازه‌ای را اختیار کرد و اکنون تلاش دارد برای تخت پادشاهی سعودی پایه‌های تازه بترشد. این پایه‌تراشی برای تخت پادشاهی و حفظ انحصار حاکمان مستبد، نقطه ضعف حرکت جاری در عربستان است. گشایش‌های نسبی که معرفی شده، برای گذار پادشاهی به مرحله دیگر است که در آن اقتصاد مبتنی بر توریزم و سرمایه‌گذاری خارجی باید جای نفت را بگیرد. بن سلمان با پروژه‌های بسیار کلان دولتی تلاش دارد کشور را برای گذار اقتصادی آماده کند، و برای این کار اصلاحات فرهنگی را نیز روی دست گرفته است. او امیدوار است که جامعه شبه‌سکولار و آزادی‌های نسبی مدنی فرصت شکوفایی اقتصادی را فراهم کند. بن سلمان برای این منظور اصلاحات داخلی زیادی را آغاز کرده و نقش مذهب، خانواده، زن و تعلیم در آن کشور در حال دگرگونی است. اما فضای سیاسی همچنان مسدود باقی مانده است.

در تمام سال‌هایی که حاکمان عربستان سعودی دروازه‌های آن کشور را به‌روی هرگونه تحول مدنی و سیاسی بسته بودند، خیلی از کشورهای دیگر عربی و مسلمان مسیرهای انقلاب، دموکراسی، استبداد روشن (استبداد سیاسی همراه با آزادی‌های نسبی مدنی) و استبداد مذهبی غیرشاهی را می‌آزمودند. مصر، لیبیا، عراق، سوریه، لبنان و ایران هرکدام بارها شاهد تحولات عمیق بودند و در مواجهه با جهان نو، آزمون‌های سختی را سپری می‌کردند. ولی در تمام این تحولات یک چیز کم بود: ترکیب متوازن دموکراسی و سکولاریزم.

حتی ترکیه که در این منطقه هنوز موفق‌ترین نمونه است، در پیمودن این راه لنگیده، و نتوانسته است هم‌زمان دموکراسی و سکولاریزم را به پیمانۀ مناسب حفظ کند. سال‌ها رهبران سیاسی آن کشور برای دفاع از آزادی‌های مدنی، دموکراسی را قربانی کردند و جنرالان با مشت آهنین جامعه را به سمتی که مناسب می‌دانستند هدایت نمودند. گاهی دموکراسی فرصت یافته، اما ارزش‌های سکولار مورد تهاجم قرار گرفته است.

حرکتی که در عربستان راه افتاده برای منطقه تازگی ندارد. آیا ابن سلمان شما را به یاد صدام نمی‌اندازد؟ صدام نیز مدعی بود که کشورش را بدون دموکراسی و آزادی‌های سیاسی مرفقی و پیشرفته خواهد ساخت. او نیز موسیقی، رقص، آزادی پوشش و تفریح را در کشور حمایت می‌کرد. در سیطره او نیز به زنان فرصت رانندگی، تجارت و کار در ادارات داده می‌شد. تعلیم زنان و دختران در اداره او نیز محدودیتی نداشت. آوازخوانان خارجی در عراق تحت تسلط صدام نیز می‌توانستند کنسرت برگزار کنند. معمر قذافی، رضاشاه، حسنی مبارک و حتی داوودخان هرکدام به‌گونه‌ای همین راهی را می‌رفتند که ابن سلمان به‌پیش گرفته است. تلاش برای پذیرش ظواهر مدنی لیبرالیزم بدون دموکراسی سیاسی و راندن جامعه به سمت سکولاریزم لنگ و معیوب، بارها در منطقه ما آزموده شده و متأسفانه عواقب دردناک داشته است. وقتی جامعه‌ای را اجازه دهید که طعم آزادی‌های نسبی مدنی را بچشد ولی نگذارید که واقعاً آزاد باشد و دموکراتیک و سکولار زندگی کند، کشور را به پرتگاهی می‌کشانید که احتمال

دارد سر از گریبان حاکمیت طالبانی، آخندی، داعشی و یا خلقی بکشد. جامعه‌ای که آزادی تعلیم، آواز، سفر و تفریح داشته باشد اما از آزادی سیاسی و عقیدتی محروم گردد، بیمار می‌شود.

اصلاحات شکلی که در کشورهای عربی رخ داده ولی با دموکراسی و اشتراک مردم در قدرت و سرمایه همراه نبوده، تاکنون به موفقیت نینجامیده است. آزادی‌های مدنی مدیریت‌شده از بالا منجر به واکنش اقشار پائین و عدم همراهی توده مردم می‌شود. زمانی که آزادی‌های مدنی با دیکتاتوری و سرکوب همراه می‌شود، جامعه را دچار بحران می‌کند و جمعیت بزرگی از نسل تحصیل‌کرده و شهرنشین به دلیل نبود آزادی سیاسی و اقتصادی سرخورده می‌شوند و به حرکت‌های انقلابی و تندروانه روی می‌آورند. آنچه امروز در عربستان رخ می‌دهد ممکن است فرصتی برای انتقال قدرت از نسل گذشته خانواده سعود که بر محافظه‌کاری فرهنگی و مذهبی استوار بود، به نسل نو آن خانواده فراهم سازد که بر لیبرال‌گرایی و دوری از مذهب استوار است؛ اما جامعه را آزاد و دموکراتیک نمی‌تواند. در چنین جامعه‌ای نیروی اصلی آزادی که حاصل تعامل دموکراتیک آدم‌ها در سطوح گوناگون سیاست، اقتصاد، فرهنگ و آموزش است، شکل نمی‌گیرد. عربستان ابن سلمانی اگر موفق شود، چیزی شبیه دبی خواهد شد که در آن موسیقی و پای‌کوبی آزاد است، ولی دموکراسی و ابتکار و مشارکت سیاسی نیست. آنجا اقتصاد رسمی و انحصاری، و بازار تفریح و ساعت‌تیری رشد می‌کند، اما جامعه آزاد و دموکراتیک نمی‌شود؛ چرا که ابن سلمان و همراهانش حاضر نیستند دست از انحصار قدرت و ثروت بردارند.

یادآوری: این نوشته در زنتایمز نیز نشر شده است.